



۲۰۲۲/۰۴/۳۰



خلیل الله معروفی

مرغ یک لنگِ مؤرخان "شوقی"

در زمانه و در روزگار ما؛ یعنی در "عصر تتویر"، عجائب و غرائبی را میبایم، که اگر در "عصر تاریکی" و در "قرون وسطا" بدان برمیخوریم عجبی نداشت. وقتی این کارها را میبینیم به همان ضرب المثل بسیار معروف اعتقاد بیشتر و راسختر و جزمتر پیدا میکنیم، که:

«کار بوزینه نیست، نجاری!!!»

اگر شجره خود این ضرب المثل را بشگافیم و به تحقیق اندر شویم، میبینیم، که این مثل از داستانی از کتاب معروف "کلیله و دمنه" ریشه گرفته است؛ و راه دیگری نمیاند، مگر همین داستان را از آن کتاب مستطاب نقل کنم؛ و من جهت آسانی کاری تفحص، از آرشیف گوگل استمداد کردم و این سطور را یافتم:

«داستان ضرب المثل "کار بوزینه نیست نجاری":»



ماخذ این مثل به داستانی در کلیله و دمنه بازمیگردد: بوزینه‌ای، درودگری را دید که بر چوبی نشسته آن را می‌برید و دو میخ درشت یکی بر شکاف چوب فرو کوفتی تا بریدن آسان گشتی و راه برای آمد و شد از آسان شدی و، چون شکاف از حد معینی گذشتی دیگری را بکوفتی و میخ پیشین را برآوردی. بوزینه تفرج می‌کرد، ناگاه نجار در انتهای کار برای حاجتی برخاست و برفت.

بوزینه به جای نجار بر چوب نشست و از آن جانب که چوب بریده شده بود خصیتین او بر شکاف چوب اندر شد. بوزینه آن میخ را که در پیش کار بود از شکاف چوب برکشید. پس شکاف چوب دو شق چوب را به هم پیوست. خصیتین بوزینه در میان چوب محکم بماند. مسکین بوزینه ناله آغاز کرد و همی گفت:

«آن به که در جهان، همه کس کار خود کند * آن کس که کار خود نکند، نیک بد کند.»

این داستان در حق بسا کسان از اهل قلم ما صدق میکند:

- در حق کسانی، که هنوز اساسات املاء و انشاء را نیاموخته اند و به نوشتن مقاله میپردازند
- در حق کسانی، که الفبای شعر و ادب را ناخوانده، شعر میگویند و خود را "شاعر" میترانند
- در حق کسانی، که کوچکترین مایه ای از "تحقیق" میسر نساخته اند و "محقق" شناخته میشوند

– و بالأخره در حق کسانی، که بدون داشتن توشه و اندوخته جامع تاریخی و بدون داشتن "وجدان تأریخننگاری"، به نوشتن "تاریخ" میپردازند!!!

باباجان عزیز! این همه کارهای خطیر و پر خم و پیچ – من جمله "نوشتن تاریخ" – از خود به اصطلاح شیرین عوام کابلی "پوز و چنه" میخواهد؛ و مراد از "پوز و چنه" درینجا، عبارت از تمام شرائطیست، که باید یک محقق برآورده بسازد، پیش از آن، که دست به "تاریخننگاری" ببرد. در سرزمین بلادیده و ستمکشیده ما ولی همه چیز بازیچه و ملعبه و به گفته ایرانیان "اسباب بازی" گشته است و "مؤرخان آماتور" و یا "تاریخننگاران شوقی" ما نمونه بارز این انحراف در تأریخننگاری هستند.

بزرگترین و نامدارترین "مؤرخ شوقی" افغانستان همانا شخصیت معروف "میر غلام محمد غبار" بود، که به فرموده خودش، برای "گرفتن انتقام از خاندان حکمران" دست به نوشتن تاریخ زد!!! وقتی کسی با چنین یک انگیزه نامنصفانه و کجروشانه و با چنین یک وجدان "اشفته و انتقامجوی"، به نوشتن تاریخ بپردازد، نتیجه کارش پیش از پیش معلوم است؛ البته نمیخواهم بگویم، که "تاریخ غبار" فاقد ارزش و فاقد نکات مثبت است و فاقد نکاتی، که پیش از وی کس دیگری بدان نپرداخته بود....

در جهان غرب مگر چنین نیست و "مؤرخ" قبل از همه "وجدان" خود را از هر نوع "لوث و بازاریتیزی و انتقام"، عاری و خالی و میزا میگرداند. هدف یک مؤرخ مُنصف، ترسیم وقایع گذشته و تمثیل سیر سیاست و جامعه در طول زمان و بررسی رویدادها و حوادث در مسیر روزگار است. یک مثال میزنم، تا "مؤرخان شوقی" ما بدانند، که «یک نان چند فطیر است»:

"ویلی برانت" Willy Brandt – همان سیاستمدار معروف و خوشنام آلمان، که یک وقتی "بناروال برلین غرب" بود؛ و آن زمانی بود، که "جان اف کنیدی" رئیس جمهور مشهور و محبوب اضلاع متحده آمریکا به سفر تاریخی خود در شهر محصور برلین غرب پرداخت؛ و یک دوره هم به حیث "صدراعظم آلمان" انتخاب شد – سرگذشت عجیب و غریبی دارد، مگر در نزد عامه مردم آلمان از محبوبیت زیاد و خاصی برخوردار است. در مطبوعات چندین هفته پیش و در میدیای معتبر کشور "آلمان فدرالی" درباره "ویلی برانت" نوشتند و سندها هم کشیدند، که او زمانی به حیث "جاسوس استخبارات آمریکا" کار میکرد و لاقلاً دوصد راپور برای آن دستگاه مخوف و جهمی تهیه نموده بود.

بلی؛ "تاریخننگاری و سیاست"، پدر و مادر نمیشناسد و باید آزاده و وارسته و بی پروا و واقعین باشد!!!
دو سه نفر از نویسندگان پورتال محترم "افغان جرمن آنلاین" نیز در رسته "مؤرخان شوقی" و "مؤرخان فرمایشی" قد علم کرده اند:

– یکی تصمیم گرفته است، که "اعلیحضرت نادرشاه غازی" را هرو مرو به حیث "جاسوس انگریز"، به اثبات برساند و شیرینتر این، که ایشان از آرشیف استخبارات استعمار برتانیه، سند کشیده میروند. آدم واقعاً به شک فرو میرود، که چرا این "مؤرخ آماتور" تنها و تنها بر اسناد استعمار و آنهم استعمار مگار انگریز تکیه میکند؟؟؟
در ملک ما مثلی بسیار مشهور ورد زبانهاست، که گوید:

«شتره گفتن گردنت کج اس، گفت کجایم راست اس، که گردنم راست باشه؟؟؟»

(شتر را گفتند، که گردنت کج است؛ گفت: کجایم راست است، که گردنم راست باشد؟؟؟)

"استعمار" شتری بود، که در ساختمانش "راستی و دُرستی" وجود نداشت. از این مؤرخ آماتور باید پرسید، که:

آخر کجای استعمار درست و نمازی بود، که آرشیف استخباراتش بوده باشد؟؟؟

تنها عناوین مقالات این "مؤرخ شوقی" کافیست، تا قضاوت کرده بتوانیم، که این "تاریخننگار آماتور"، به اصطلاح ایرانیها "ریگی در کفش دارد".

– دیگری "هم و غم" خود را وقف کارنامه "خاندان سردار یحیی خان" کرده است و اندرین زمینه گرچه مانند اولی ردیکال پیش نمیرود، مگر نیاتش از وجنات قسمت اول مقالاتش نمایان است!!!

- و "آماتور دیگر" آن پورتال هم دست به تحقیق تاریخ میزند و جالبتر این، که همین فرد "ناکرده زبان دُرست"، باری مطلب مشوشی در باره "زبان و ادب دری" نوشت. مقاله ای در جوابش نوشتم و گفتارش را یکه یکه رد کردم، مگر این شخص صدای خود را نکشید و به اصطلاح شیرین عوام کابلی "چُلل هم نکرد!!!"

هرسه آماتور پورتال "افغان جرمن آنلاین" یک مشخصه مشترک و بلکه یک "مخرج مشترک" دارند؛ و آن عبارت است از "یکجانبه‌گری" و "یکجانبه‌نگری".

- هرسه "آماتور تاریخ" فرض عین خود ساخته اند تا از "علیحضرت امان الله خان غازی" موجودی در حد یک "فرشته" و به اصطلاح آخوندها و آیت‌الله‌های چندین آتشه ایرانی، فردی از "امامان معصومین" بسازند؛ و بالمقابل "علیحضرت غازی شهید نادرشاه" را به حیث "اهرمین" به اثبات برسانند. این چه انصاف است و این چه وجدان است در تاریخنگاری؟؟؟

مؤرخ "بی‌انصاف" و "بی‌وجدان" و "انتقامجوی"، به اصطلاح شیرین عوام کابلی، به "دو توت" هم نمی‌ارزد؛ و حیث وقت خواننده، که برای مطالعه چنین نوشته‌های مشوب و مشوش و غرضالود به مصرف برسد!!!

در مقابل چنین نوشته‌های آلوده و غرضی و مرضی، مقالات جالب و حقانه و حقیقتجویانه محقق منصف و وارسته ای چون جناب "عبدالباری جهانی" را میبایم، که سعی بی دریغ خود را در جهت تنویر زوایای تاریک تاریخ ما میکند؛ و مقاله معنون به «قضاهای ما از حوادث و مسایل تاریخی» - مؤرخ ۲۵ اپریل ۲۰۲۲ صفحه معرّز "آرینا افغانستان آنلاین" - نمونه بارزی از چنین مقالات است. لنک همین مقاله جالب و خواندنی را می‌اندازم تا مراجعه کننده به زحمت نیفتد:

http://www.arianafghanistan.de/UploadCenter/۰۷۴_Jahani_B_Qazawaat_Hay_Ma_Az_Hawades_Tarikh.pdf

و در آخر این مقاله کوتاه و در واقع "کَلک راستگوی"، دو کامنت جالب را از پورتال محترم "افغان جرمن آنلاین" نقل میکنم، که خواندن آنها را برای خواننده در هر صورت مفید و قابل وقع میدانم:

کامنت محترم "داکتر عبدالواحد حیدری":

اسم: ع واحد حیدری محل سکونت: سدنی استرالیا تاریخ: ۲۰۲۲، ۰۴، ۲۶
امان الله غازی و شهید نادرشاه دو شخصیت محترم تاریخ افغانستان است که برای افغانستان خدمات زیادی نموده اند. کسانی که به اساس عقده های شخصی و تاریخی به شخصیت این دو شاه ملت دوست تعرض می کنند به نظر من این اب به اسباب دشمنان افغانستان ریختن است که در این مقطع حساس تاریخی يك ظلم در حق ملت افغان و جفای تاریخی است. اکثری این نوشته ها از ارشیف انگلیس و ستمی ها تنها از متن ان استفاده شده. تحلیل ارشیف انگلیس شیطان که جز تخریب و تفرقه و نفاق چیزی دیگری اندوخته ندارند کار است مشکل. تحلیل موضوعات حساس تاریخی باید به اشخاص مسلکی گذاشته شود نه copy و paste که اصلاً خواننده را مجبور به خواندن این نوشته بی سر و پای می کند. نه خدمات امان الله خان و نه خدمات شهید نادر خان را کسی پنهان کرده می تواند و نه تاریخ افغانستان را يك و دو نفر تغییر داده می توانند.

این را باید اقرار کرد که محترم جهانی صاحب، صاحب قلمی بوده که نظیر ان کم بوده. این نوشته مرا به یاد نوشته های مرحوم هاشمیان می اندازد. اشعار زیبای جهانی صاحب و طرز نوشته های روان شان و شیوه تحلیل شان قابل قدر است. ژوند اوسی جهانی صاحب. عمر دی دیر شه.

کامنت جوابیه محترم "عبدالباری جهانی":

اسم: عبدالباری جهانی محل سکونت: MANASSAS Parkl تاریخ: ۲۰۲۲، ۰۴، ۲۶
جناب محترم داکتر صاحب حیدری سلام و احترام مرا بپذیرید. از لطف شما ممنونم. بنده از اوان جوانی تا امروز، بحیث یک شاگرد تاریخ کشورم، در پی روشن نمودن حقایق بوده ام. گفته شما، که بایست گذشتگان و قهرمانان تاریخ کشور خود را ارج باید گذاشت کاملاً بجاست. روشن نمودن حقایق هیچوقت قوم را متضرر نمی سازد؛ حتی اگر

بعضاً دشمنان، برای زمان موقت، از آن استفاده سوء هم بنمایند. تاریخ بهترین آینه راستگوست که یک ملت چهره واقعی خود و نیاکان خود را در آن میبیند. با پنهان نمودن حقایق تاریخی آینه تاریخ خود را قصداً تاریک میسازیم و نسل های آینده را از دیدن روی خود و نیاکان خود محروم مینماییم. طوریکه نمیتوانیم یک دقیقه گذشته را به ترلیونها دالر واپس برگردانیم، همانطور نمیتوان تاریخ را، که داستان راستین وقایع گذشته است، از سر نگاشت. بدینوسیله به ارواح پاک همه نیاکان و قهرمانان تاریخ خود درود میفرستم. شما به سلامت باشید.

و در آخر این عرائض مخلصانه و درویشانه میگویم:

«کم ما و کرم خوانندگان!!!»

(خلیل الله معروفی - جرمنی - ۲۶ اپریل ۲۰۲۲)



برای مطالب دیگر خلیل الله معروفی روی عکس کلیک کنید